

**بررسی لازمه‌های واگذاری سرخابی‌ها به بخش خصوصی در گفت‌وگوی «جوان» با صادق رئیسی**
کیا مدیرعامل سابق راه‌آهن

# دولت باید از ورزش حرفه‌ای خارج شود

**اراده خصوصی‌سازی وجود دارد اما مسیر آن اشتباه است**

**گفت‌وگو**
**دنیادوری**

وعده‌های تکراری و عملی نشده بدین کرده است. هیچ‌کس مخالف انجام کار اصولی نیست اما به زعم بسیاری ا این داستان، شعاری و فاقد کارشناسی لازم است.خصوصی‌سازی تنها راه بیرون‌رفت از بحرانی است که پرسپولیس و استقلال امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کنند اما نه واگذاری که بیرون آمدن از چاله و به چاه افتادن و تباهی را برای دو باشگاه مطرح پایتخت به دنبال داشته‌باشد. بلکه واگذاری در دست که بنا به گفته کارشناسانی چون صادق رئیسی کیا، مدیرعامل سابق راه آهن، که باید شرایط و زمینه‌های آن فراهم باشد تا به نتیجه مثبت بینجامد و سرانجامی تیره و تار را برای دو تیم بر طرفدار ایران به دنبال نداشته باشد.

■ ■ ■

**حذف از لیگ قهرمانان آسیا مانند تیر خلاصی بود که نشان از شرایط بغرنجی داشت. به نظر می‌رسد تنها راه بیرون‌رفت از آن واگذاری سرخابی‌های پایتخت به بخش خصوصی باشد. شعاری که سال‌هاست تکرار می‌شود اما هنوز نمی‌توان به ضرس قاطع گفت که این اتفاق رؤیایی دست‌نیافتنی است یا می‌تواند روزی به واقعیت تبدیل شود.**

واگذاری پرسپولیس و استقلال الزامی است که خیلی دیر مورد توجه دولت قرار گرفته‌است چراکه این دو باشگاه فارغ از هر گونه جناح‌بندی سیاسی، همواره کانال ارتباطی دولت‌ها جهت اهداف و منافع سیاسی و محفل جلب رأی بوده‌است. در واقع نوع نگاهی که به این دو باشگاه با توجه به منافع و کاربردهایی که به لحاظ انتخاباتی و سیاسی دارد ند وجود دارد باعث شده تا دولت‌ها همواره پرسپولیس و استقلال را در عالم بیانیین نگه دارند. مسئله‌ای که واگذاری آنها را دچار تأخیر و تعطل کرده‌است.

**سال‌هاست که شاهد وعده‌های زیادی در زمینه خصوصی‌سازی هستیم اما با وجود آنکه در مقطعی حتی دو تیم تا پای فروش هم رفتند واگذاری با مطرح شدن اینکه خریداران اصلح، نیستند انجام نشد. فکر می‌کنید این اصلاح مشکلات راه‌است یا پنهان‌جویی برای سر باز زدن از واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوصی؟!**

واقعیت این است که اطلاعات و آگاهی مسئولان ما در خصوص الزامات واگذاری اندکی کم است. در صنعت ورزش اصلا مفهوم ندارد که دولت با بخش خصوصی رقابت کرده یا در زمینه باشگاهداری و ورزش قهرمانی حضور داشته باشد! همین اندک بودن اطلاعات مسئولان در زمینه واگذاری و عدم لزوم باشگاهداری دولت است که باعث شده پرسوسه واگذاری طولانی شده یا بعضاً با تردیدهایی که مطرح کردید مواجه شود. در واقع پرسوسه واگذاری آن قدر کنده و ناشی پیش رفته که باعث شده تا عوام مردم تصور کنند دولت میلی به واگذاری ندارد. در اصل این ذهنیت را عامل در زمینه واگذاری به وجود آورده‌است.

**یعنی این‌بار که دولت‌ها میلی به واگذاری ندارند و ثابت همین مسئله‌است که دست‌دست می‌کنند اشتباه است؟**

مسئله میل دولت نسبتاً است. دولت مجبور و موظف است به واگذاری و چاره‌ای جز خارج شدن از ورزش حرفه‌ای ندارد. این را نه فقط قوانین بین‌المللی که تمام استانداردها، حتی قوانین و مقررات در مصوبات خود دولت هم می‌گوید. این در اصل تکلیفی است که باید انجام شود اما خب به دلایل مختلفی که برخی از آنها مطرح شد با تأخیر بسیار مواجه شده‌است به گونه‌ای که حالا باعث حساسیت برخی نهادهای بین‌المللی نیز شده‌است. به زبان دیگر در زمینه‌ای به واسطه نگاه نهادهای بین‌المللی به مالکیت واحد پرسپولیس و استقلال به مشکل خوردندیم (نمونه آخری AFC حذف پرسپولیس و استقلال از لیگ قهرمانان آسیا بود) که با قوانین داخلی نیز مغایرت دارد و قبیل از نهادهای بین‌المللی مصوبات دولت به الزام اجرای آن اصرار داشت!

**مشکل اصلی در راه خصوصی‌سازی چیست که باعث شده کار تا به امروز به هیچ نتیجه مثبتی نرسد؟**

اینکه ما اهداف و فلسفه وجودی خصوصی‌سازی را اشتباه گرفتیم فکر می‌کنیم خصوصی‌سازی فقط به منظور کاهش بار مالی و کاهش بار مدیریتی دولت است در حالی که اساسا خصوصی‌سازی باید با هدف توسعه انجام شود. یعنی هدف از واگذاری بنگاه‌ها باید توسعه اقتصادی و در جهت رویکرد کلانی به نام توسعه کشور انجام شود. اگر ما این رویکرد را در نظر داشته و فراموش نکرده بودیم خصوصی‌سازی برای توسعه کشور است که باید انجام شود. این دو تیم را باید ۱۰ یا نهایتاً پنج سال پیش به بخش خصوصی واگذار می‌کردیم.

**یعنی کارگانه اشتباهی به دلیل واگذاری این دو تیم داریم؟**

بله. آسیب‌های امروز نتیجه نگه داشتن این دو تیم و عدم واگذاری آنها به بخش خصوصی است. این نشد که بی توجه به نتیجه کار، پرسپولیس و استقلال را نگه داریم اما وقتی کار بیخ پیدا کرد و با مشکلاتی چون حذف از لیگ قهرمانان آسیا مواجه شدیم بار دیگر حرف از واگذاری آنها به میان آوریم! می‌دانید تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا مبنی بر کنار گذاشتن سرخابی‌ها از لیگ قهرمانان چه آسیب اقتصادی برای پرسپولیس و استقلال و حتی صنعت ورزش ایران در پی داشته‌است؟ تمام این افعال کاری‌ها و تعلق‌ها به نوع نگاه ما برمی‌گردد. اگر مسئولان ما در خصوصی‌سازی نگاه توسعه‌ای داشتند، اگر آنها که مالکیت و تصدی این دو باشگاه را دارند نگاه توسعه‌ای به صنعت ورزش داشتند حتماً با توجه

به نوع نگاه خود این دو را واگذار می‌کردند و با نگهداری آن در مالکیت خود مشکلاتی را که امروز شاهد آن هستیم رقم نمی‌زدند. مشکل اصلی در نوع نگاهی است که مسئولان ما به خصوصی‌سازی دارند. نگاهی که در آن خصوصی‌سازی را با هدف توسعه نمی‌نگرند! در واقع هر زمان که هزینه‌ها و بار مدیریتی این دو باشگاه زیاد شده و وبال گردن می‌شوند و شاهد تجمع هواداران و ناراحتی گسترده بین تماشاگران می‌شود و در یک کلام کار بیخ پیدا می‌کند بحث واگذاری پیش کشیده می‌شود و با آرام شدن اوضاع به هر دلیل این ماجرا بار دیگر فروکش می‌کند!

**پس در واقع دولت تمایلی به خصوصی‌سازی ندارد و مطرح شدن نگاه و بیگانه این داستان نیز نوعی بازی با افکار عمومی است برای آرام کردن جو؟**

شخصاً بر این باور نیستم که اراده‌ای برای واگذاری این دو باشگاه از سوی دولت نیست. اراده واگذاری وجود دارد اما بحث باور است. باور مسئولان ما در زمینه خصوصی‌سازی این دو باشگاه ضعیف است و همین مسئله باعث شده تا مسیر خصوصی‌سازی را به سمتی ببریم که هر گاه بدکارگی‌های دو باشگاه به اندازه‌ای شد که دولت نتوانست از تأمین هزینه‌های آن برآید، یا هر زمان که هزینه‌های اجتماعی یا حتی هزینه‌های مدیریتی سنگین شد، از سر ناچاری به فکر واگذاری این دو تیم بیفتند! به همین جهت هم هست که با حل شدن مشکل آرام‌تر شدن شرایط، با پیش گذاشتن اسپانسرکی که بتواند مسائل مالی را حل و فصل و مدیریت کند، همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود و فراموش می‌کنیم که فرآزی بر واگذاری بوده‌است و تیمی که دوباره مشکلات به جایی برسد که در مصیقه قرار بگیریم یا مسئله‌ای چون حکم حذف AFC گریبانگیر این دو تیم شود تا بار دیگر پادمان بیاید که واگذاری باید انجام شود! واقعیت ماجرا این است که باور مسئولان ما به خصوصی‌سازی ضعیف است و بر اساس این باور ضعیف طبیعتاً عملکردمدان نیز در این زمینه تحت تأثیر قرار گرفته و ضعیف می‌شود!

**جدا از نگاه مسئولان یا خواست دولت، برخی کارشناسان واگذاری استقلال و پرسپولیس را آغاز دوران سعادتمندی آنها می‌دانند اما برخی نیز با توجه به تجربیات تلخ گذشته در زمینه خصوصی‌سازی آن را نه نقشه راه که در واقع مسیر نابودی می‌دانند. درست مانند اتفاقی که گریبان تیم‌هایی چون ملوان، تراکتور و راه‌آهن را گرفت.**

آن نگاه توسعه‌ای که در موردش صحبت کردیم اینجاصداق پیدای می‌کند. در واقع نه فقط در خصوص تیم‌ها و باشگاهداری، که در هر زمینه دیگری نگاه شما اگر با هدف توسعه همراه نباشد نمی‌تواند موفقیتی به دنبال داشته باشد. شما اگر در باکداری خصوصی‌سازی می‌کنید باید با هدف توسعه مالی، پولی و بانکی پیش بروید. در زمینه خودروسازی، بیمه و حتی ورزش نیز به همین شکل است. اگر نگاه شما در این واگذاری توسعه‌ای نباشد و فراموش کنیم که فلسفه خصوصی‌سازی توسعه آن صنعت است، در جهت این نگاه اصولی قانون نظام جامعه باشگاهداری را تدوین کرده، شرایط دریافت حق بخش را فراهم و مسائلی را مهیا می‌کنیم که نیازمند باشگاهداری اصولی و حرفه‌ای است. لازم‌ه موفقیت در این مسیر مهیا کردن زیرساخت‌های قانونی و فراهم ساختن زمینه اجرایی قوانین باشگاهداری است! اما وقتی نگاه شما در جهت رفیع تکلیف، کاهش بار مالی یا مدیریتی باشد بدون مهیا کردن زیرساخت‌های لازم و مهیا کردن زمینه‌های توسعه‌ای اقدام به واگذاری می‌کنید که نتیجه‌ای جز شکست در پی ندارد.

**یعنی داستان باشگاه‌هایی چون ملوان، راه‌آهن و تراکتور به دلیل عدم مهیا بودن زیرساخت‌ها و شرایط لازم بود که به شکست انجامید؟**

بله. البته این را هم در نظر داشته باشید که تنها یک مورد خصوصی‌سازی در راستای اجرای واگذاری اصل ۴۴ در صنعت ورزش انجام شد که راه‌آهن بود. پروژه‌ای که به شکست کامل برخورد کرد چون هیچ هدف توسعه‌ای پشت آن نبود و تنها با هدف برداشتن بار مالی و مدیریتی از روی دوش شرکت راه‌آهن و وزارت راه بود که انجام شد و نتیجه‌اش نیازی به توضیح و تشریح ندارد. هیچ قانون نظام باشگاهداری پشت واگذاری باشگاه راه‌آهن نبود که بگوید حالا که وارد این



**درد**

باید شما کلمه مدیران را برداشته و خود دولت را جایگزین کنید. نقش اول به بار آمدن تمام این مشکلات و بدهی‌ها خود دولت است که با دست گذاشتن روی مدیران بی‌کفایت و انتخاب‌هایی که داشته پرسپولیس و استقلال را به این سرانجام رسانده‌است. هیچ کاری هم نشده! واگذاری استقلال و پرسپولیس و استقلال را به این آغاز دوران سعادتمندی آنها می‌دانند اما برخی نیز با توجه به تجربیات تلخ گذشته در زمینه خصوصی‌سازی آن را نقشه راه که در واقع مسیر نابودی می‌دانند. درست مانند اتفاقی که گریبان تیم‌هایی چون ملوان، تراکتور و راه‌آهن را گرفت.

عرصه (خصوصی‌سازی) شده‌ایم دولت حق رقابت ندارد. وقتی این تدبیر اندیشیده نشود، چطور راه‌آهن خصوصی شده با آن بضاعت اندک مقابل تیم‌هایی چون پرسپولیس و استقلال با آن توانمندی و رانت بسیار بزرگ دولتی می‌تواند رقابت کند و سرپا بماند؟

**پس در واقع رقابت دولت با بخش خصوصی است که باعث ناکامی در این زمینه شده‌است؟**

صد در صد. معلوم است که بخش خصوصی در شرایطی که دولت پای یکی کار است از این رقابت عاجز است! معلوم است وقتی حق بخش تلویزیونی داده نمی‌شود، نظام جامع باشگاهداری راه نیفتاده‌است و امنیت بخش خصوصی در صنعت ورزش و حق باشگاهداری فراهم نشد، واگذاری‌ها هم به نتیجه مطلوب و سرانجام خوبی نخواهد رسید. خصوصی‌سازی اتفاق بسیار خوبی است اما به شرط رعایت اقتضات، شرایط و اصول آن. اول باید شرایط و محیط را فراهم کرد و بعد آواز خصوصی‌سازی سرد داد و ساز آن را کوک کرد.

**شما خصه‌های لازم برای مهیا شدن بستر خصوصی‌سازی با توجه به آنکه با حضور در رأس مدیریتی فوتبال باشگاهی ایران سال‌ها از نزدیک دستن بر آتش داشتید چیست؟**

تمام آنچه گفته شد از لازمه‌های خصوصی‌سازی است اما تمام شصه‌های لازم باید در قالب قانونی به عنوان قانون جامع نظام باشگاهداری به تصویب مجلس برسد که در آن هم تکلیف باشگاهداری در ورزش حرفه‌ای و قهرمانی مشخص شده باشد و هم دولت از رقابت با بخش خصوصی منع و محروم شده باشد و هم اینکه امکانات و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی مهیا شود. قانونی که در دولت را مکلف کند بسیاری اماکن نیمه کاره ورزشی که در اختیار دارد و دردی از ورزش حرفه‌ای و قهرمانی دولتی کند. اصلاً چاره‌دولت باید این اماکن را داشته باشد؟ واگذاری استادیوم‌هایی که مخصوص ورزش حرفه‌ای هستند باید در قانون تعیین تکلیف شده و از مالکیت دولت درآمده و در جهت ارتقای باشگاهداری و ورزش حرفه‌ای به بخش خصوصی داده شود. مسائل مالیاتی و مالکیتی تماماً باید در این قانون مشخص و تعیین تکلیف شود. سرمایه دولتی می‌فرماید که می‌خواهید این باشگاه‌ها را واگذار کنید. خب به چه کسی؟ دقیقاً باید کجا این مسائل تعیین تکلیف شود؟ یا افکری در این زمینه شده‌است؟ در همین قانون جامع باشگاهداری است که باید در خصوص این مسائل تعیین تکلیف شود. تا زمانی که قانونی نداشته باشیم برای



عقابمدنی

یک‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۰ | ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ |

**را دارد و از نزدیک با این مقوله و مشکلات آن آشناست کمکی به سجادی، وزیر ورزش بدهید چاره‌کاری را برای خصوصی‌سازی پرسپولیس، استقلال و دیگر تیم‌های دولتی پیشنهاد می‌دهید که این اتفاق هر چه زودتر و البته بی‌ضررتر رخ دهد؟**

خدمت سجادی و دوستان قبلی در زمینه آنچه خواسته و سؤال شده‌است در حد بضاعت خود پیشنهادهایی را مطرح کرده‌ایم. یعنی همین طور از دور به تماشای نشست‌ها و لب به انتقاد از روند کار باز نکرده‌ایم و هر چه در توان داشتیم را با توجه به آنچه از ما خواسته شده بیان کردیم. به اتفاق آقایان علی دوست و جاجی‌وند و دکتر بیگلری پیشنهاداتی داده‌ایم. به وزیر ورزش و آقای جلیلی که در این زمینه سؤال داشتند طرحی را دادیم که پرسپولیس و استقلال در قالب مدیریت بیمان و بدون اینکه مالکیت آنها از دولت گرفته شود واگذار شوند.

**یعنی مالکیت همچنان در دست دولت باشد اما مدیریت واگذار شود؟**

بله. دقیقاً به همین شکل. دولت می‌تواند با در اختیار داشتن مالکیت این دو باشگاه مدیریت آنها را به گروهی که صلاحیت‌شان برای اداره پرسپولیس و استقلال احراز می‌شود در قالب یک قرارداد مدیریت پیمان واگذار کند. البته با این پیش‌شرط که این گروه اول از لحاظ توانمندی برای اداره و از لحاظ مالی برای پرداخت هزینه‌های جاری احراز صلاحیت شوند. مثلاً در قالب یک قرارداد سه ساله مدیریت این باشگاه‌ها به آنها داده شود یا این حق که اگر مدیریت در قالب این قرارداد به صورت صحیح انجام شد و هزینه‌های جاری و اندکی از هزینه‌های گذشته با شبی ملایم پرداخت شد، دولت نیز به همان نسبت اقدام به پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های گذشته کند. در واقع دولت به شرط پرداخت هزینه‌های گذشته توسط مدیریت جدید در این زمینه شریک می‌شود تا بدهی‌های به جا مانده از سال‌های قبل که دولت خود نیز به واسطه انتخاب‌های نادرست در آن سهیم است کم‌کم پاک شود.

**در واقع حل مشکل با همکاری مشترک...**

همین طور است. یعنی به همان نسبتی که من آمدم مدیریت پیمان بستم و تعهد می‌کنم که هزینه‌های جاری و هزینه‌های گذشته را مثلاً سالی ۱۰، ۲۰ درصد پرداخت کنم، دولت هم متناصباً با همان مقدار اقدام به تسویه کند که در آن صورت بعد از دو، سه سال، اگر این اتفاق با نظارت دولت و مدیریت پیمان به خوبی انجام شود، ما باشگاهی خواهیم داشت که از لحاظ مالی آسیب‌ها و بدهی‌های کمتری دارد که روند جاری آن نیز نهاده‌بیش شده‌است. البته در آنکه احراز اعتبار آن برایش هم به خوبی انجام شد. در اصل آن زمان با واگذاری تجربه مدیریت به بخش خصوصی جریان را به سمت و سوی پیش بردیم که یک بخش خصوصی توانمند شکل گیرد که از توان اداره باشگاه‌های بزرگی چون پرسپولیس و استقلال برآید. آن زمان دولت بعد از یک دوره سه ساله اگر از عملکرد آن بخشی که مدیریت پیمان را انجام داده بود راضی بود، می‌تواند بیاید بلوک،

بلوک، ۱۰ درصد، ۲۰ درصد و بیه آرامی مالکیت را هم واگذار کند تا صدی یک پروسه پنج، شش ساله شاهد واگذاری بالای ۵۰ درصدی به بخش خصوصی باشیم. این طرح پیشنهادی را با دوستان دادیم و اخیراً رئیس سازمان خصوصی‌سازی نیز اشاراتی به آن داشته و فکر می‌کنم در دست بررسی باشد. البته باید این شرط که دولت شرایط لازم مثل **حق بخش را هم که لازمه باشگاهداری است فراهم کند.**

بله. یعنی شما وقتی دارید این کار را انجام می‌دهید دولت هم باید وظایف خودش را برای مستعد کردن محیط و شرایط جهت باشگاهداری انجام دهد، وظایفی که از جمله مهم‌ترین آن وضع قانونی است که به طور مشخص باید در مورد این مسئله داشته باشیم. قانونی که در آن باید تکلیف سرمایه‌گذاری بر خوردن است و نباید به صرف تهیه قانونی تکلیف باشگاهداری، مسائل مالیاتی، حق بخش تلویزیونی، ممنوعیت دولت در رقابت و تأسیس باشگاه جدید و مسائلی از این دست مشخص شده باشد. البته زمان هم در این مورد از اهمیت بالایی برخوردار است و نباید به وقت‌نگار کناری، آن هم محکم و اصولی کار را چنان به درازا بکشیم که بار دیگر مشمول مرور زمان شود! مجلس باید ظرف یکی دو سال قانونی را که طرح آن خیلی وقت است داده شده به تصویب برساند تا هر چه سریع‌تر تکلیف باشگاهداری حرفه‌ای و خصوصی شدن تیم‌های دولتی مشخص شود و به نتیجه و سرانجام خوبی برسیم.

**احتمال به حقیقت پیوستن رؤیای خصوصی‌سازی امروز و با شرایط فعلی، نه در شرایط آرمانی که صحبت کردیم، چقدر است؟**

صفر درصد. یک خصوصی‌سازی سالم و موفق امروز و با شرایط حاکم، چیزی در حد صفر است. یعنی با این شرایط و محیط صفر است، چون شرایط و محیط را برای یک خصوصی‌سازی موفق آماده نکرده‌ایم. خصوصی‌سازی اصولی که بتواند نتیجه مثبتی در پی داشته باشد زمینه‌هایی را لازم دارد که متأسفانه با وجود شعارهای بسیار طی این سال‌ها مهیا نکرده‌ایم و این شرایط نمی‌توان انتظار رقم خوردن است! واگذاری را هم یک واگذاری موفق را داشت. با این وجود اما چاره‌ای نداریم برای واگذاری باشگاه‌های دولتی به بخش خصوصی. دولت باید برای رعایت الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا هم که شده مالکیت این باشگاه‌ها را واگذار کند و واگذاری را هم ورزش نباید مالکیت واحد داشته باشد و امیدوارم حداقل حذف سرخابی‌های پایتخت از لیگ قهرمانان آسیا بتواند تلنگر خوبی باشد برای به حقیقت پیوستن خصوصی‌سازی

و واگذاری پرسپولیس و استقلال. اتفاقی که با توجه به قوانین خود ما و الزامات آن سال‌ها قبل باید رخ می‌داد نه زمانی که تهدید جدی کنفدراسیون فوتبال آسیا را بیخ گوش خود احساس کرده‌ایم!